



آینده پژوهی اسلامی؛ امکان پذیری و چگونگی تحقق

راضیه حسینی^۱، الهام حسینی^۲

۱- کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فناوری اطلاعات، دانشگاه شیراز

hosseinira@sums.ac.ir

چکیده:

پیش‌بینی آینده یکی از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است. امروزه با پیشرفت دانش، ترکیب علوم گوناگون این امکان را به بشر داده است که با استفاده از دانش، مسیر زندگی آینده را طراحی کند. شریعت مقدس اسلام با بهره‌مندی از منابع غنی، می‌تواند شیوه‌ها و منابع آینده‌پژوهی را غنا ببخشد. یکی از مباحث همواره مطرح، ارتباط آینده‌پژوهی و اسلام است که در این باره دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی بر این اعتقادند که دانش سکولار و غربی آینده‌پژوهی نمی‌تواند با اسلام سازگاری داشته باشد و برخی دیگر معتقدند که اسلام به طور ذاتی آینده‌پژوهی را دربر می‌گیرد.

کلمات کلیدی: آینده پژوهی، آینده‌پژوهی اسلامی، فرهنگ اسلامی،

مقدمه

نگرانی انسان از مواجه شدن با آینده نامعلوم و مبهم، اشتیاقی دیرینه برای درنوردیدن زمان را در انسان‌ها به وجود آورده است. به همین دلیل، انسان‌ها از دیرباز علاقه‌مند بوده‌اند نسبت به آینده، اطلاع داشته باشند. از این رو، به تناسب ظرفیت و توانایی خود، ابزارهای متداول در هر عصر برای پیش‌بینی آینده به کار گرفته شده است.

اما امروزه با پیشرفت علم و افزایش سطح آگاهی‌های عمومی، از یک سو، و پیچیدگی گسترده دنیا در حوزه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و فناوری از سوی دیگر، ضرورت پیش‌بینی آینده و تدارک ابزارها و شیوه‌های این پیش‌بینی را متفاوت ساخته است. این امر موجب گردیده است موضوع «آینده‌پژوهی» مورد توجه جنس اندیشمندان قرار گیرد. امروزه آینده‌پژوهی به یک علم متمایز تبدیل شده و در مراکز علمی و سیاست‌گذاری، از ارزش و توجه خاصی برخوردار گردیده است.

از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی که بشر به خدمت گرفت، آینده‌پژوهی بود که از میانه‌های قرن بیستم خود را به عنوان یک رشته علمی نو معرفی کرد. از آن زمان آینده‌پژوهی مسیر رشد خود را با سرعت طی کرده است و از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به صورت آینده‌پژوهی مدرن درآمده است. در این مدت کشورهای پرشماری از آینده‌پژوهی در عرصه‌های گوناگون خود بهره گرفته‌اند.

"آینده پژوهی" عبارت است از شناخت علمی آینده. در آینده پژوهی، آینده‌های ممکن که به سعادت یا عدم سعادت بشر می‌انجامد، شناسایی می‌شود و در نهایت آینده‌ای معرفی می‌گردد که در آن بشر سعادت و رفاه بیشتری کسب نماید. از سویی دیگر، آینده پژوهی با شناخت عوامل تغییر و دگرگونی نیز پیوند می‌خورد. آینده پژوهی کشف و تحلیل عوامل تأثیرگذار نسبت به آینده، با هدف ایجاد آینده مطلوب است (کاظمی مقدم، ۱۳۹۴).



غایی ترین هدف آینده پژوهی، حفظ یا بهبود رفاه بشر و ظرفیت های ادامه حیات بر روی کره زمین است. در آینده پژوهی آنچه به عنوان هدف اساسی مطرح است محتمل ساختن آینده مرجح می باشد. بدین منظور باید از آنچه که می خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم. همچنین نسبت به آینده ممکنه که علی رغم تردید در وقوعش، تحقق آن اثر بزرگی بر زندگی مردم می گذارد، باید آگاهی لازم را داشته باشیم.

مرور ادبیات و سابقه آینده پژوهی و وضعیت کنونی جهان، محقق را به تأمل وادار می دارد تا از خود پرسد: آیا رویکرد کشورهای رشد یافته و در حال رشد، می تواند به خلق آینده ای امن و پایدار بینجامد؟ آیا آینده پژوهی با تکیه بر علم تجربی و فلسفی یا عقل حسی و عقل مجرد انسان، قادر به کشف رمز از آینده یا به عبارتی دقیق تر، قادر به طراحی آینده ای امن و پایدار است؟ آیا ما باید درست جا پای آن ها گذاشته و مسیر پیشرفت کشور را از زاویه نگاه آن ها رصد کنیم؟ با توجه به اثرگذاری نوع نگاه به آینده در کلیت برنامه های کشور، آیا می توان گزاره های آینده پژوهی را متناسب با زیست بومی ایران اسلامی تعریف کرد و با برقراری ارتباط بین فرآیند آینده پژوهی و آموزه های اسلام، می توان خلأ و چالش راهبردی طراحی آینده امن و پایدار را برطرف نمود (عظیمی، ۱۳۸۹)؟

در پاسخ باید گفت "آینده پژوهی" دانشی غربی و سکولار است که علاوه بر آن که نتوانسته در مسیر رسالت کلان خود در غرب به خوبی عمل نماید، در جوامع غیر غربی نیز از اثربخشی لازم برخوردار نیست. آینده پژوهی اسلامی نسخه نو و بدیل آینده پژوهی است که افزون بر سازگاری با جهان بینی اسلامی از آموزه های اسلام به شیوه ای حداکثری بهره می گیرد.

۱- آینده پژوهی چیست؟

پایا درباره آینده پژوهی می گوید: همچنان که علم تجربی، چیزی جز تکمیل و تدقیق تفکرات روزانه نبوده است، آینده پژوهی نیز فرایندی است از تدقیق فعالیت های آینده اندیشانه عقل عرفی و عقل سلیم، و بهره گیری از دستاوردهای دانش های گوناگون، به منظور تحکیم شالوده های آن (عظیمی، ۱۳۸۶). کارل پوپر معتقد است موجودات زنده، و در رأس آن ها انسان، در برخورد با محیط پیرامون خود، رهیافتی «مسأله محور» دارند و بر اساس «انتظاراتی» که از شرایط پیش آینده در محیط دارند، توانایی های ذهنی و فیزیکی خود و امکانات موجود را برای به حداقل رساندن شانس بقای خویش ارتقا می دهند. این نکته که توجه به کدام امور و پرهیز از کدام جنبه ها می تواند شانس بقای افراد و نهادها را افزایش دهد، یکی از اصلی ترین مسائل مورد نظر آینده اندیشان در قلمروهای مختلف است (عظیمی، ۱۳۸۹).

مؤمنی درباره وجه تجویزی آینده پژوهی، می گوید: آینده پژوهی در تلاش برای پاسخ به این سؤال است که در آینده چه باید اتفاق بیفتد؟ این جنبه از آینده پژوهی، حاکی از تأثیر پذیری آن از «ارزشها»، «اراده ها»، «مسائل» و «نیازهای مشخص» در ابعادی به مراتب بالاتر از پژوهش های متعارف علمی است و به نحو بارزتری وجه آرمان گرایانه و ناظر بر وضع مطلوب از دیدگاه پژوهشگر فعال در امر آینده پژوهی را در خود مستتر دارد (مؤمنی، ۱۳۸۴).

از جمله مشهورترین و شیواترین تعاریف آینده پژوهی را وندل بل ارائه داده است. وی بر این باور است که آینده پژوهی در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش های جامعه، آینده های مرجح را انتخاب و برای پی ریزی ساخت مطلوب ترین آینده، کمک کند. هدف اصلی بل ارائه تعریفی بوده که تمامی تعاریف موجود را دربر گیرد. بنابراین از این حیث می توان توصیف بل را در مقایسه با تعاریف دیگران دارای مزیت دانسته و رواج اندیشه دورنگر در میان جوامع را می توان از مهم ترین دستاوردهای آینده پژوهان دانست. آینده پژوهان می خواهند با استفاده از این اندیشه، افزون بر تأمین رفاه نسل های کنونی، در کامیابی نسل هایی که هنوز پای به عرصه وجود نگذاشته اند نیز مؤثر باشند. آینده پژوهان، آینده های بدیل را می کاوند. این ایده مهم (تفکیک آینده های بدیل به سه دسته یادشده) از سوی آینده پژوهان بسیاری نظیر امارا (۱۹۸۱)، مار کلی (۱۹۸۳)، ماسینی



(۱۹۹۳) و تافلر (۱۹۷۸) مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر آینده پژوهان، یک آینده در پیش روی بشر قرار ندارد و آینده پژوهان برای مطالعه و ساختن آینده با آینده‌های متفاوتی روبه‌رو هستند (عیوضی، ۱۳۹۳).

با بررسی و تحلیل عمیق آینده پژوهی می‌توان دریافت ویژگی‌های اساسی آینده پژوهی، پژوهش گذشته، ارائه تجویز و تعیین اقدام در زمان حال با هدف شکل بخشیدن به آینده مطلوب است. به عبارت دیگر، آینده پژوهی می‌کوشد برای برپایی آینده مطلوب، مجموعه اقدامات مورد نیاز افراد، سازمان‌ها و نهادهای مختلف را تعیین کند. برای این منظور لازم است بر اساس پژوهش گذشته، تجویزهایی ارائه کند که اقدامات به هم پیوسته و هدف‌مند را مشخص سازد. افق زمانی مورد نظر در آینده پژوهی، آینده به معنای لحظه‌ای فراسوی زمان حال است و قلمرو موضوعی آن نیز تمامی حوزه‌های تأثیرگذار بر شکل بخشیدن به آینده (اقتصاد، سیاست، فناوری، فرهنگ و ...) را دربر می‌گیرد.

ملکی فر (۱۳۸۵) با نگاهی عمیق تر؛ هدف از آینده پژوهی را، مهندسی هوشمندانه تاریخ اما نه تاریخ گذشته بلکه تاریخ آینده عنوان می‌کند. صدیق (۱۳۸۳) که آینده را بر محور فناوری‌ها دنبال می‌کند، هدف از آینده پژوهی را کشف منابع مجازی آینده معرفی می‌کند. او منابع مجازی را در مقابل منابع آشکار تعریف کرده و معتقد است منابع مجازی برای همه قابل دیدن نیست و در نتیجه از طریق شناسایی آنها می‌توان به ارتقای جایگاه جهانی کشور در زمینه کیفیت زندگی و تولید ثروت اندیشید.

منظور از «آینده پژوهی» در این مقاله، «دانشی که با اتکا به مبانی اسلامی و بهره‌مندی از ابزارهای علمی و به کارگیری خلاقیت، توان خلق فناوری‌های جدید، سازوکارهای فرهنگی و علمی شایسته جامعه اسلامی را دارد.» به بیان دیگر، «آینده پژوهی» دانشی است که می‌تواند همه مؤلفه‌های جامعه مطلوب اسلامی آینده را تصویر کرده، در پیش رو قرار دهد. هدف آینده پژوهی اسلامی نیز تبدیل جهان پیش رو به، محیطی شایسته برای تربیت انسان‌های تکامل یافته در سایه اطاعت از فرامین الهی است.

۲- آینده پژوهی در فرهنگ اسلامی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شریعت مقدس اسلام «آینده‌نگری» است. این موضوع را می‌توان در اعتقادات، اخلاقیات، و مناسک دینی مشاهده نمود. اعتقاد و باور به معاد و زندگی جاودان برای انسان، نمونه‌ای از طراحی آینده بشریت است. به باور مسلمانان، تلاش برای این دنیا طراحی آینده است. هدایت فعالیت‌ها به منظور ساختن آینده‌ای مطلوب، از مهم‌ترین توصیه‌های دینی برای زندگی جاودانه آخرت است؛ از سوی دیگر، در توصیه‌های دینی، اولیای دین به شیوه‌های گوناگون، مسلمانان را به آینده‌نگری تشویق کرده‌اند. ایجاد دغدغه نسبت به آینده و توجه به آن مورد تأکید دین است.

مهم‌ترین نقش در طراحی آینده، به ویژه در مسائل فرهنگی و اجتماعی، بر دوش حوزه‌های علمیه است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نقش از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. حوزه‌های علمیه همان گونه که علت محدثه انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند، باید علت بقای آن هم باشند. همان گونه که برنامه‌ریزی‌های علمای دینی، موجب پویایی اسلام و به روز شدن آن شده است، اکنون نیز باید همین مسیر با دقت‌های علمی شتاب بگیرد (منطقی، ۱۳۹۱).

هیچ کس با اطمینان کامل نمی‌داند که در آینده چه رخ خواهد داد. در عین حال، این دلیل بر آن نیست که به آینده نپردازیم و صرفاً بر شانس یا سرنوشت تکیه کنیم. تفکر کردن درباره آینده و حدس زدن درباره آن، ظرفیت‌های کنونی افراد، گروه‌ها و جامعه را برای دگرگونی و توسعه افزایش خواهد داد. بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان‌ها دارای ظرفیت‌های ارزشمندی هستند. انسان‌ها و جوامع بشری همیشه ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارند که با ایجاد حساسیت نسبت به آینده، می‌توان این توان را به فعلیت رساند.

یکی از نمونه‌های ارزشمند آینده پژوهی در جامعه اسلامی را می‌توان در وعده الهی در خصوص شکل‌گیری عصر ظهور حضرت ولی عصر (عج) مشاهده نمود. جامعه شیعه قرن‌هاست که با امید به تحقق وعده الهی در خصوص ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بسر می‌برد. آن گونه که در

روایات اسلامی توصیه شده است، پیروان آن حضرت موظفند با انجام اقدامات شایسته، شرایط را برای تحقق زمان ظهور فراهم سازند. از این رو، باید سازمان‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی‌های خود، عصر ظهور را کانون توجه در برنامه‌های خود قرار دهند).

از دیدگاه اسلامی، مسلم است که قضای الهی به هیچ حادثه‌ای مستقیماً و بلاواسطه تعلق نمی‌گیرد، بلکه هر حادثه‌ای تنها از راه علل و اسباب خودش ایجاب می‌شود. قضای الهی ایجاب می‌کند که نظام جهان نظام اسباب و مسببات باشد. انسان هر قدر آزادی از ناحیه عقل و اراده در اختیار دارد و به هر اندازه که با محدودیت از ناحیه عوامل موروثی و محیطی و تاریخی روبه‌روست، به حکم قضای الهی و نظام قطعی سببی و مسببی جهان است.

بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از برنامه‌های آینده‌نگر، اسباب مناسب را برای آینده خود رقم بزند. انسان‌ها با بهره‌مندی از تفکر، می‌توانند پدیده‌های طبیعی را، که به صورت محدودیت در پیش‌رو دارند، به حکم قضای الهی حذف کرده، سبب تقدیر مناسب را فراهم سازند. بنابراین، قضا و قدر الهی نه تنها به معنای تدوین زندگی از پیش تعیین شده و سلب اختیار از انسان نیست، بلکه تحریک‌کننده انسان برای طراحی آینده و تدوین زندگی بر اساس اختیار و انتخاب است (مطهری، ۱۳۵۷).

۳- آینده‌پژوهی و آینده‌های پیش‌بینی شده

برخی روایات بیان‌کننده آینده‌ای روشن و یا آینده‌ای تاریک برای بشر است. با این فرض که این روایات از صحت سند و دلالت معتبر و قابل توجه برخوردار باشد، باید به این نکته توجه داشت که این گونه روایات در آینده‌پژوهی کاربرد دارد. این گونه روایات حیطة منابع و استنباط آینده را برای محققان گسترده نموده، با تبیین آینده، از مردم انتظار دارند که خود را برای رویارویی با شرایط مطلوب یا نامطلوب آینده مهیا سازند.

به بیان دیگر، علاوه بر آینده‌های قطعی سرای جاودان (معاد) و عصر ظهور، که در باورهای دینی مسلمانان حتمی تلقی می‌شود، از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که بخشی از آینده نیز برای مسلمانان یا بشریت نیز ترسیم شده است.

این گونه روایات گویای این است که مؤمنان باید برای چنین آینده نامطلوبی طرح‌ریزی لازم و اقدام‌های مؤثر داشته باشند. پیش‌بینی و تدارک مواجه با آینده، جامعه اسلامی را به طور هوشیار در برابر وقایع پیش‌بینی نشده قرار می‌دهد. آینده‌پژوهی از این لحاظ، برای اندیشمندان اسلامی نیز مهم است که با استفاده از پیش‌بینی آینده، که در روایات معتبر آمده است، به طراحی و تبیین مسائل علمی و فرهنگی بپردازند تا بتوانند مؤمنان جامعه را در چنین شرایطی از گزند خطرات ایمن نگه‌دارند (منطقی، ۱۳۹۱).

۴- انگیزه‌های پرداختن به آینده‌پژوهی اسلامی

آینده‌پژوهی، یک دانش غربی و سکولار است. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا غربی بودن آینده‌پژوهی انگیزه‌ای برای پرداختن به آینده‌پژوهی اسلامی است؟ چون برخی معتقدند که همین آینده‌پژوهی رایج با تمام نواقص و چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بوده است، تا کنون پیشرفت‌ها و دستاوردهای درخشانی داشته است و روندی رو به رشد دارد. خیل گسترده افزایش نیاز به آینده‌پژوهی در جهان و حتی کشورهای اسلامی نشان از اثربخشی آینده‌پژوهی رایج دارد و طراحی و تحقق نسخه‌ای بدیل _ اسلامی یا غیر اسلامی _ برای آن ضرورت ندارد. این مخالفت به گونه‌ای است که برخی مطرح کردن آینده‌پژوهی اسلامی را ناشی از تعصبات افراطی دینی یا غرب ستیزی می‌دانند. بنابراین پیش از ورود به مقوله آینده‌پژوهی اسلامی، باید انگیزه لازم وجود داشته باشد. در این بخش می‌کوشیم چند انگیزه مهم برای پرداختن به آینده‌پژوهی اسلامی ارائه کنیم. (عیوضی، ۱۳۹۳)

۱-۴) آینده پژوهی نیازمند بازنگری اساسی است.

ریچارد اسلاتر _ که یکی از مطرح ترین آینده پژوهان جهان است _ بر اساس پژوهشی که در سال ۲۰۰۸ به منظور بررسی وضعیت آینده پژوهی در جهان انجام شد، تأکید می کند آینده پژوهی رشد قابل قبولی داشته است؛ اما کاربردهای این دانش به خوبی ملموس نشده و توده فعالیت های آینده پژوهی نیازمند توجه بیشتر به کاربردی سازی و ترویج مفاهیم پایه ای هستند. وی بر این باور است که آینده پژوهی تا کنون نتوانسته است در فرایند مقابله با چالش ها و مسائل جامعه، فعالیت قابل توجهی داشته باشد. از سوی دیگر سال هاست هدف اصلی آینده پژوهی را بهبود آزادی و سطح رفاه بشر و افزایش امید به آینده ای مطلوب می دانند. اسلاتر این وضعیت را خطرناک می داند و توصیه می کند که برای برون رفت از این شرایط، آینده پژوهی باید به طور اساسی بازنگری شود؛ بنابراین با وجود رشد درخور توجه و برخی دستاوردهای درخشان، آینده پژوهی در مسیر اصلی خود و دستیابی به اهداف تعیین شده، موفق نبوده است.

۲-۴) عدم بی طرفی آینده پژوهی:

آینده پژوهی به عنوان یک علم بی طرف نیست و به دلیل مبتنی بودن بر جهان بینی غربی، قرائت خاص غرب از آینده را دنبال می کند. بی گمان ملت های غیر غربی باید مراقب باشند که این نسخه غربی، مسیر نادرستی را برای آنها ترسیم ننماید. جهان بینی غربی در آینده پژوهی موج می زند و حتی این مسئله اعتراضات زیادی را نیز به همراه داشته است. در نتیجه آینده پژوهی در جوامع غیر غربی نمی تواند کارساز باشد؛ زیرا طرف دار غرب است. آشکار است که اگر مواضع یک جهان بینی نسبت به آینده، پذیرفته شود، به منزله تسلیم شدن در برابر آن است.

۳-۴) ضرورت بومی سازی آینده پژوهی :

عنایت الله، آینده پژوهی را چهار نوع می داند که یکی از آنها، آینده پژوهی تعبیری _ یا فرهنگی _ است. هدف این نوع از آینده پژوهی، پیش بینی نیست، بلکه دستیابی به بینشی ژرف از آینده از طریق مطالعه دیدگاه ها، تصویرها و ارزش های فرهنگی و تمدنی است. وی معتقد است آینده پژوهی در هر فرهنگی، نسخه خاص خود را می طلبد و برای اثربخشی آینده پژوهی در هر جامعه باید آن را بومی کرد (عنایت الله، ۱۳۸۸). حال این پرسش مطرح می شود که آیا آینده پژوهی رایج و سکولار در جوامع دینی و غیر لاییک می تواند، موفق باشد؟ مسلم است که چنین جامعه ای نمی تواند برای شکل بخشیدن به آینده ای مطلوب برای خود، مسیر غرب را دنبال کند و ناگزیر از بومی سازی آینده پژوهی بر اساس نگرش ها و جهان بینی دینی است.

۴-۴) آموزه های گسترده اسلام

آینده پژوهی یک علم اجتماعی است. راز موفقیت در پژوهش های اجتماعی، استفاده حداکثری از منابع دانشی است. آینده پژوهی سکولار از منبع دانشی دین _ به طور ویژه اسلام _ استفاده ای نمی کند. این در حالی است که منابع اسلامی یک تفاوت عمده با منابع غیر اسلامی دارند و آن هم نامحدود بودن است. منابع اسلامی افزون بر بهره گیری از عقل انسان به دلیل اتصال به منبع عظیم و پایان ناپذیر وحی نامحدود هستند و از این منظر برتری فوق العاده ای به منابع غیر دینی دارند که تنها بر عقل بشری تکیه کرده اند. از سوی دیگر، دین مبین اسلام، آموزه های گسترده ای در حوزه های هستی شناسی، معرفت شناسی، شناخت انسان و جامعه و ... دارد و در عرصه های مختلف زندگی بشری دارای توصیه ها و تجویزهای قابل توجهی است که در نظر گرفتن آنها سبب کاهش اثربخشی و کارایی آینده پژوهی می شود.

آموزه های گسترده اسلام می توانند منظر تازه ای از آینده را در برابر انسان بگشایند و به طور نظری و عملی نشان دهند که اسلام به عنوان کامل ترین دین، ظرفیت های شگرفی برای حل و فصل مشکلات جهانی، از فقر و بی عدالتی گرفته تا حفظ محیط زیست و اخلاق دارد. بنابراین طراحی نسخه ای از آینده پژوهی که این منبع عظیم (آموزه های اسلامی) بهره جوید، ضروری به نظر می رسد. این ضرورت برای جوامع اسلامی بیشتر است.

۵-۴) تمدن سازی اسلامی

انقلاب اسلامی در ایران را باید نقطه عطفی در تاریخ تمدن بشری دانست. این انقلاب سبب تغییر نگرش جهانی و زیر سؤال بردن پارادایم غربی حاکم بر جهان شد. یکی از دستاوردهای عظیم انقلاب ایران، شکل گیری نظام جمهوری اسلامی است. از جمله مهم ترین اهداف این نظام، برپایی تمدن

اسلامی در جهان است. این امر سبب شده است که علاوه بر تأثیر روزافزون و شگرف بر جهان اسلام، جمهوری اسلامی ایران به درستی داعیه رهبری جهان اسلام را داشته باشد. یکی از اقدامات مهم در جهت نایل شدن به این آرمان، طراحی آینده مطلوب اسلامی و ترسیم مسیر تحقق آن است. بدون شک آینده پژوهی در این راه، بسیار کلیدی است. حرکت در این مسیر با آینده پژوهی رایج، غیرممکن است و باید با استفاده از یک نسخه اسلامی از آینده پژوهی بهره گرفت نسخه‌ای که هم با جهان‌بینی اسلامی سازگار بوده و از آموزه‌های دینی به طور حداکثری استفاده می‌برد. ارزش‌ها و جهان‌بینی اسلامی و غربی تا حد زیادی متفاوت هستند و این مسئله سبب آن می‌شود بهره‌گیری از آینده پژوهی رایج برای چنین مأموریت خطیری نامناسب باشد و انگیزه‌ای دیگر برای پرداختن به آینده پژوهی اسلامی فراهم شود.

۶-۴) آینده پژوهی، ابزاری در جهت اسلامی‌سازی علوم و فناوری‌ها:

یکی از چشم‌اندازهای جوامع اسلامی، ظهور علوم و فناوری‌های اسلامی است. تا کنون بسیاری از اندیشمندان در این حوزه تلاش‌های قابل تقدیری انجام داده‌اند. اغلب این فعالیت‌ها ناظر به امکان‌پذیری علم و فناوری اسلامی هستند و کمتر به چگونگی تحقق آن‌ها پرداخته شده است. بدون شک تحقق علوم و فناوری‌های اسلامی در عمل، آینده‌ای مطلوب است که ترسیم دقیق این آینده و چگونگی تحقق آن نیازمند آینده پژوهی است. اما چگونه می‌توان از آینده پژوهی رایج برای تحقق علوم و فناوری‌های اسلامی بهره جست؟ آشکار است که علم و فناوری اسلامی به آینده پژوهی اسلامی نیازمند است و از این منظر باید ادعا کرد که آینده پژوهی اسلامی خود پیش‌رانی برای اسلامی‌سازی دیگر علوم و فناوری‌هاست. این موارد، نشان از آن دارند که آینده پژوهی رایج بر خلاف باور برخی، تا کنون دستاوردهای درخشانی نداشته و انگیزه‌هایی قوی برای پرداختن به آینده پژوهی اسلامی وجود دارد. البته طی کردن این مسیر بسیار دشوار و طولانی است. نخستین گام در مسیر پرداختن به آینده پژوهی اسلامی، توجیه امکان‌پذیری آینده پژوهی اسلامی اس(عیوضی، ۱۳۹۳).

۵- چالش‌های امکان‌پذیری آینده پژوهی اسلامی

بررسی آینده پژوهی اسلامی از منظر توصیفی (علمی) و تجویزی (فناورانه) نشان از امکان‌پذیری چنین مفهومی دارد. اما شیوه استدلال به گونه‌ای است که امکان‌پذیری نسخه‌های بدیل دیگری نیز مانند آینده پژوهی مسیحی، بودایی، صهیونیستی، فمینیستی و... نیز توجیه می‌شود. این امر سبب مطرح شدن سه چالش می‌شود:

۱-۵) نسبی‌گرایی در آینده پژوهی:

به این معنا که هر دیدگاه یا اندیشه‌ای سبب ایجاد یک آینده پژوهی منسوب به خود می‌شود و سازمان‌ها و جوامع در به‌کارگیری آینده پژوهی سردرگم می‌شوند.

۲-۵) اختلاف ناچیز نسخه‌های بدیل:

آینده پژوهی‌های بدیل، تفاوت‌چندانی با یکدیگر ندارند و این مسئله به جای کمک به پیشبرد و توسعه آینده پژوهی، سبب اخلال و عدم اثربخشی آن در مقام عمل می‌شود.

۳-۵) آینده پژوهی کنونی نیز اسلامی است:

چرا که وقتی مسلمانان به‌ویژه در کشورهای اسلامی، آینده پژوهی می‌کنند خواسته یا ناخواسته با چارچوب شناختی _هنجاری اسلام آینده پژوهی می‌کنند. آینده پژوهی خود به خود اسلامی است. به نظر می‌رسد بدون پاسخ‌گویی به این چالش‌ها، نمی‌توان به عرصه چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی ورود کرد. بنابراین در این بخش تلاش می‌شود، این ابهامات پاسخ داده شوند:

۱-۳-۵) آینده پژوهی اسلامی و کثرت نسخه‌های بدیل:

بر اساس فلسفه علم، امکان‌پذیری نظریه‌های بدیل را می‌توان به این شکل توضیح داد که مجهول و پوشیده بودن وجوهی از واقعیت، به نظریه پردازی به شیوه‌های گوناگون می‌انجامد. نسبی‌گرا برای دفاع از موضع خود افزون بر این که باید نظریه رقیب خود را از صحنه، خارج کند، باید بتواند نشان دهد که مشاهده مبنایی برای نظریه پردازی علمی است و فقط توسط عوامل انفسی تعیین می‌شود (تقوی، ۱۳۹۱: ۶۹). بنابراین امکان‌پذیری نظریه‌های بدیل به نسبی‌گرایی نمی‌انجامد و اساساً با آن متفاوت است. هر نسخه بدیل آینده‌پژوهی باید دو شرط را داشته باشد: یکی سازگاری با اصول، ویژگی‌های آینده پژوهی و حفظ قابلیت‌های موجود آن و دیگری ارتقای آن و حل مشکلاتی که نسخه پیشین نتوانسته‌اند به آن پاسخ دهند. با این شروط به نظر می‌رسد هر اندیشه‌ای نتواند به راحتی نسخه‌ای بدیل از آینده پژوهی ارائه دهد و در صورتی هم که بتواند چنین کاری انجام دهد، سبب نسبی‌گرایی نخواهد شد.

۲-۳-۵) اختلاف نسخه‌های آینده پژوهی بدیل:

هر دین، اندیشه یا دیدگاهی می‌تواند با شروط یاد شده، نسخه‌ای بدیل از آینده پژوهی ایجاد کند. اما باید توجه داشت که به دلیل ماهیت آینده‌پژوهی، تا زمانی که این نسخه در عمل شکل نگیرد نمی‌توان درباره چستی آن یا اختلاف با سایر نسخه‌های بدیل اظهارنظری کرد. آینده‌پژوهی معطوف به عمل است و بدون انجام فعالیت‌های اجرایی شکل نمی‌یابد.

۳-۳-۵) آینده پژوهی در کشورهای اسلامی، اسلامی نیست:

دین مبین اسلام بخشی از چارچوب شناختی _ هنجاری آینده پژوهان مسلمان را تشکیل می‌دهد و آینده پژوه حتی به صورت ناخواسته جهان‌بینی اسلامی را در نظر می‌گیرد و از آموزه‌های اسلامی بهره می‌جویند. درست است که هر اعتقادات دینی آینده پژوه بر آینده پژوهی تأثیرگذار است، اما این کمترین تأثیر دین است و به معنای آینده پژوهی دینی یا اسلامی نیست؛ از آنجا که آینده پژوهی یک دانش غربی و سکولار است و این دانش دین را به رسمیت نمی‌شناسد و حتی در اصول و مفروضات، ناسازگاری‌هایی با آن دارد (مثل نادیده‌انگاشتن اراده الهی، حتمی نبودن آینده و ...). پس با این شرایط مسلمان بودن آینده پژوه، دلیل بر اسلامی بودن آینده پژوهی نیست؛ چرا که آینده پژوه مسلمان خود را تسلیم چارچوب شناختی _ هنجاری رایج حاکم بر آینده پژوهی کرده است. از سوی دیگر، آینده پژوهی اسلامی، نسخه‌ای بدیل برای آینده پژوهی کنونی است. بنابراین باید بتواند قابلیت‌های بیشتری داشته باشد و مشکلاتی را حل کند که آینده پژوهی رایج از پاسخ‌گویی عاجز است. این در حالی است که مسلمان بودن آینده پژوه، سبب نمی‌شود که با آینده پژوهی بتوان مسائلی را پاسخ گفت که اگر آینده پژوه مسلمان نبود، چنین دستاوردی به دست نمی‌آمد. در حال حاضر آینده پژوهان مسلمان، در فعالیت‌های خود از آینده پژوهی رایج بهره می‌جویند، هر چند دین اسلام تأثیری حداقلی بر آن داشته باشد.

۶- یافته‌هایی از موضوع «آینده پژوهی از نگاه اسلام»

اگر در مجموع گونه‌های آینده پردازی را به سه طیف تقسیم نماییم، در اسلام گزاره‌های حیاتی و مهمی برای بخش‌های اول و دوم وجود دارد.

۱. آینده پردازی آرمانشهری

۲. ترسیم خط سیر تمدن آینده (فلسفه تاریخ)

۳. تحلیل آینده برپایه داده‌های صنعتی و فن شناختی

برای بخش سوم نیز اگر نگاه به آینده متمرکز بر حوزه فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی باشد (آینده‌نگاری نسل چهارم)، اسلام در این زمینه نیز گزاره‌های ویژه و مهمی دارد؛ لذا اهمیت دارد که آینده پژوهی همچون یک علم میان رشته‌ای و فرارشته‌ای، ارتباط لازم را با علوم اسلامی برقرار کرده و در وجوهی که ضروری است، مطابق جهان‌بینی اسلامی باز تعریف شود (عظیمی، ۱۳۸۶).

۷- اصول و مفروضات آینده پژوهی

از نگاه آینده پژوهان، آینده کماکان در حال ساخته شدن است و امری است که مردم می توانند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کرده و شکل دهند. از این نظر پیش بینی دقیق یا هر نوع غیب گوئی، مردود و بی معنی است. در نظر آینده پژوهان یکی از دلایل اصلی اینکه آینده مبهم بوده و از عدم قطعیت برخوردار است این نکته است که ما می توانیم بر آینده تأثیر گذار باشیم و مسیر حوادث را تغییر دهیم والا هیچ چیز مبهمی وجود نمی داشت. با توجه به چنین مباحثی، آینده پژوهان، اصول و مفروضاتی را به بحث می گذارند که مفهوم و ماهیت کلان مطالعات آینده پژوهی را شکل می دهد. علاوه بر آنچه اکرمی (۱۳۷۸)، وحیدی مطلق (۱۳۸۲)، فراست خواه (۱۳۸۳)، اندیشکده کاوشگران آینده (۱۳۸۴)؛ به عنوان اصولی (الف تا ج) از آینده پژوهی ذکر نموده اند، با مرور منابع اسلامی می توان اصول دیگری (چ و ح) برای این نوع مطالعات تعریف نمود که با تکیه بر آنها نگاه به آینده عمق و معنای وسیع تری می یابد (عظیمی، ۱۳۸۶).

۷-۱) **وحدت و پیوستگی هستی**؛ بین اجزای نظام هستی وابستگی متقابل وجود دارد. هیچ سیستم یا هیچ جزئی از عالم را نمی توان صد در صد مجزا و منفرد در نظر گرفت، بلکه هر موضوعی که در کانون توجه آینده پژوهان قرار می گیرد، به صورت یک سیستم باز در نظر گرفته می شود. لذا شناخت آینده وابسته به شناخت دقیق همه اجزای نظام، کارکرد آنها و چگونگی کنش آنها با عوامل بیرون از نظام است.

۷-۲) **اهمیت زمان**. زمان اهمیت حیاتی داشته و به صورت یک طرفه و بی بازگشت به پیش می رود. هر چه از زمان می گذرد بر سرعت تغییرات نیز افزوده می شود.

۷-۳) **آینده فارغ از حال نخواهد بود**؛ همانگونه که حال در ادامه گذشته رخ داده است، آینده نیز به نوعی تحت تأثیر حال خواهد بود. به همین شکل هر مقطعی از آینده، مقدمه ای برای آینده بعدی است.

۷-۴) **آینده می تواند شکل بگیرد**؛ به این معنی که آینده به طور کامل از پیش تعیین شده نبوده و بصورت غیر قابل اجتنابی بر انسانها تحمیل نشده است. آینده ما متأثر از کنش بشری است.

۷-۵) **آینده می تواند از جنس گذشته و حال نباشد**. گرچه یک نوع ارتباط و یکپارچگی بین گذشته، حال و آینده وجود دارد. اما هر چیزی که در آینده به وجود خواهد آمد، لزوماً امروز یا در گذشته وجود نداشته و بدین ترتیب امکان دارد آینده شامل مواردی باشد که پیش از آن هیچ سابقه ای نداشته است. آینده باز است و مقدر نیست.

۷-۶) **آینده ها متعدّدند و بعضی از آینده ها بهتر از بقیه اند**؛ گزینه های متعددی برای وقوع آینده وجود دارد و از آنجا که آینده پژوهان به دنبال آینده های بهتر و نیز آینده های ممکن و محتمل هستند. بخشی از آینده پژوهی همانا مطالعه، تبیین، ارزیابی و حتی تدوین معیارهایی است که افراد براساس آنها، آینده های مختلف را مورد ارزیابی و سنجش قرار می دهند.

۷-۷) **آینده آنها ناپذیر و ابدی است**؛ به استناد منابع علوم اسلامی که شمه ای از آن در قسمت ۲ مطرح شد، امتداد و جریان حیات انسان، ابدی بوده و به پایان حیات این دنیا منتهی نمی شود. اهمیت مطلب در اینجا است که آن آینده ابدی متأثر از فرآیند زندگی دنیوی است.

۷-۸) **برخی آینده ها وقوع خواهند یافت**؛ بنا به استدلال و روشمندی های عقلانی در حوزه علوم مختلف، وقوع برخی رویدادها اثبات شده و بلکه بدیهی است. گرچه زمان و یا کیفیت وقوع آنها بعضاً شفاف نباشد. به عنوان نمونه: در علم ستاره شناسی پایان یافتن عمر خورشید قطعی است. در علم جمعیت شناسی پیر شدن جمعیت و یا وقوع مرگ انسان محرز است. در علوم اسلامی وقوع رستاخیز (معاد) و ادامه حیات ابدی انسان و یا ظهور آخرین منجی بشریت، یعنی حضرت حجه ابن الحسن العسگری (عج)، اثبات شده است. اما در تمام این موارد هیچ گونه قطعیتی در زمان وقوع و یا کیفیت وقوع آن وجود ندارد. بدیهی است هر کدام از این نوع آینده ها، به تناسب اهمیت و تأثیر آن در آینده جامعه و فرد، می بایست مورد توجه قرار گیرند.

۸- روش‌های آینده پژوهی

۸-۱) تحلیل روند :

این روش مبتنی بر آینده‌های محتمل و ارائه‌ی آینده‌های بدیل می‌باشد. تحلیل روند، همانگونه که از نامش پیداست از داده‌های گذشته و حال به عنوان دستمایه بهره‌جسته و به ارائه تصویری از آینده می‌پردازد. این شیوه ارتباط زیادی با عوامل سببی ندارد.

۸-۲) روش تأثیر متقاطع :

در این روش، تأثیر متقابل رویدادها و روندها بر اساس یک ماتریس دو بعدی بررسی می‌شود. رویدادها و روندهای مورد مطالعه در ماتریس بر روی محورهای افقی و عمودی قرار گرفته و احتمال وقوع آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۸-۳) روش دلفی :

هدف این روش، دستیابی به "اجماع" در میان خبرگان پیرامون روندها یا تصویرهای آینده‌ی یک موضوع است.

۸-۴) روش سناریوسازی :

مطالعه‌ی رویدادها و روندهای متوالی ما را قادر می‌سازد تا فرآیندها و روابط علی حاکم بر آنها را استخراج نماییم. کشف روابط و فرآیندهای علی سببی به معنای تشخیص نظام‌مندی و امکان دخالت در این رویدادها و روندها را فراهم می‌سازد. سناریوها باید مشخص نمایند که چگونه ممکن است وضعیتی فرضی، مرحله به مرحله روی دهد و چه بدیل‌هایی برای هر کنشگر و در هر مرحله برای ایجاد تغییر و تحول مرجح در فرآیند وجود دارد. سناریوسازی کمک مناسبی برای برنامه‌ریزی است. در این شیوه شرایط مختلف برای اجرای سیاست‌ها ترسیم می‌شود و برنامه‌ریزان می‌توانند در شرایط پیچیده به بهترین گزینه‌ها نایل آیند.

۹- سطوح آینده پژوهی:

از آنجا که آینده پژوهی یک دانش بین رشته‌ای است و کاربردهای فراوانی در حوزه‌های مختلف دارد، بسته به موضوع مورد مطالعه، روش مطالعاتی و ارزش‌های آینده پژوه، دارای سطوح متفاوتی است، ریچارد اسلاتر این سطوح را چنین تقسیم‌بندی کرده است:

۹-۱) آینده پژوهی عامه‌پسند :

این شیوه مبتنی بر مفروضات حاکم بر روابط اجتماعی است. آینده پژوهی عامه‌پسند، ابتدایی و ساده است و به گونه‌ای ناخودآگاه از وضعیت موجود دفاع می‌کند و معتقد است آینده با علم و فناوری بنا نهاده می‌شود. این روش محافظه کار بوده و در عین حال بیش از حد مبتنی بر فناوری است و اغلب فاقد مفروضات لحاظ شده است.

۹-۲) آینده پژوهی مسئله محور :

این روش اخیر تلاش دارد با شناسایی و تعریف مشکلات و موانع، برای آنها راه‌حل‌هایی، هر چند ظاهری و غیرمتمن ارائه نماید.

آینده پژوهی انتقادی: این روش اهتمام ویژه‌ای به تحلیل فرضیه‌ها، تصورات و پارادایم‌ها دارد. در روش انتقادی پس از مطالعه و بررسی بر روی محورهای یاد شده، تأثیر سوگیری‌های مختلف فرهنگی و سنت‌های تحقیق بر کار پژوهش آینده، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۹-۳) آینده پژوهی معرفت‌شناسانه

این روش می‌کوشد تا ثابت کند که مشکلات و گرفتاری‌های ما ریشه در نگرش ما به جهان و راه‌های شناختی ما داشته و راه‌حل‌ها نیز از دگرگونی‌های نهفته و غیرقابل پیش‌بینی در این سطح ناشی می‌شود.

۱۰- آینده پژوهی در جهان و ایران معاصر :

عظیمی و همکارانش (۱۳۸۶) و مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی (۱۳۸۵)، آنچه اخیراً (از دهه ۱۹۶۰) و عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم به عنوان جنبش آینده پژوهی و با فلسفه و دیدگاه خاص، به سرعت گسترش یافته است، در پی به علمی کشیدن فرآیند کسب معرفت بشری در باره آینده است. آنچه به عنوان یک فعالیت فراگیر در سطح بین المللی قابل بررسی است مشهور به آینده نگاری است که تجارب آن در سطوح فراملی، ملی و سازمانی آن قابل مطالعه می باشد. رویکرد عمده این مطالعات بررسی روند گسترش و آینده فناوری-عمدتاً از نوع سخت به عنوان یکی از عوامل پیشران توسعه، می باشد. اما نسل جدیدی از آینده نگاری در سطح کشورهای پیشرفته در جریان است، که به عاملی مهمتر از فناوری های سخت، یعنی فناوری های نرم می پردازد. در این خصوص او معتقد است: در کشورهای در حال توسعه تمرکز بیش از حدی بر فناوری های سخت و دنباله روی از کشورهای پیشرفته وجود دارد و نقش و تأثیر فناوری های نرم مغفول مانده اند. از طرف دیگر او توصیه می کند که برای جبران فاصله با کشورهای پیشرفته و حتی پیش افتادن از آنها باید به فناوریهای نرم توجه جدی نمایم. البته در اروپا برخی فعالیت ها با رویکرد نرم در حال انجام است.

در ایران نیز رویکرد جدیدی هم راستا با مطالعات بین المللی در حال شکل گیری است. این رویکرد عبارتست از پیش بینی فناوری از نوع سخت-و بررسی آینده براساس مقتضیات آن. ملکی فر (۱۳۸۵)، باب اصلی ورود به این نوع مطالعات آینده نگارانه، با طرح مباحث "فناوری های نو" در شورای پژوهش های علمی کشور در دهه ۷۰ باز شده است. البته همزمانی این موضوع با فرآیند تنظیم و ابلاغ سند چشم انداز ۲۰ ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران، انگیزه های بیشتری را برای سازماندهی مطالعات آینده پژوهی در سطح مجامع دولتی، دانشگاهی و خصوصی کشور فراهم آورده است. همچنانکه خاستگاه اصلی انسان برای آینده اندیشی دو عامل عقل و وحی (قرآن و روایات اهل بیت عصمت علیهم السلام) می باشد؛ ساخت آینده امن و پایدار نیز با این دو عامل امکان پذیر است. با این تفاوت که محصول عقل، علم و فناوری بوده؛ و وحی، جهت دهنده و تکامل بخش آن به سوی حقایق فراتر از عالم حس و تجربه.

۱۱- نتیجه گیری:

تا کنون، آینده پژوهی اسلامی در عمل شکل نگرفته است و تا این اتفاق رخ ندهد، نمی توان جز تصاویری مبهم از آینده پژوهی اسلامی، چیز دیگری ارائه کرد. اما آینده پژوهی سکولار در حال حاضر عینیت یافته و با وجود عدم موفقیت در رسالت کلان خود دارای تجارب ارزنده و دستاوردهای قابل توجهی است و آینده پژوهی اسلامی نمی تواند در مسیر تحقق خود، به این تجارب و دستاوردها بی توجه باشد. بنابراین علاقه مندان آینده پژوهان اسلامی نمی توانند آینده پژوهی سکولار را رها کنند؛ بلکه باید با رهیافتی راهبردی تلاش نمایند که در فرایندی پیوسته و شتابان، جوامع اسلامی را در عمل از آینده پژوهی سکولار به سوی آینده پژوهی اسلامی سوق دهند. عینیت یافتن آینده پژوهی اسلامی، چشم اندازی است که تحقق آن نیازمند طی کردن گام هایی است. در نگاهی کلی، گام نخست تأملات فلسفی و مباحث نظری است که تا بتوان دست مایه لازم برای تحقق آینده پژوهی اسلامی را فراهم ساخت. در گام های بعدی باید ضمن ترسیم تصاویری از آینده پژوهی اسلامی راهبردهایی جهت رسیدن به آینده پژوهی اسلامی تدوین کرد.

۱۲- منابع و مآخذ:

۱. منطقی، م. (۱۳۹۱). درآمدی بر اسلام و آینده پژوهی. اسلام و پژوهش های مدیریتی. ۱۹-۳۴.
۲. پایا، ع. (بی تا) آینده اندیشی: هست ها و باید ها. [وبلاگ باشگاه اندیشه]. مقاله درج شده در: <http://www.ayandehnegar.org>

۳. تقوی، م. (۱۳۹۲). آینده پژوهی اسلامی: بررسی امکان پذیری و چگونگی تحقق آن. تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری های دفاعی.
۴. عنایت الله، س. (۱۳۸۸)، تحلیل لایه لایه ای علت ها نظریه و مورد کاوی های یک روش شناسی یکپارچه و متحول ساز آینده پژوهی (مجموعه مقالات)، (ترجمه: م. منزوی). تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۵. عیوضی، م. ر.؛ پدرام، ع. (۱۳۹۳). امکان پذیری و چگونگی تحقق آینده پژوهی اسلامی. مشرق موعود، ۸(۱)، ۷۹-۱۱۲.
۶. عظیمی، ع. ا. (۱۳۸۹). بازنگری دستگاه نظری آینده پژوهی در جهان بینی اسلامی. بازیابی شده از <http://www.ahul-bayt.org/>
۷. عظیمی، ع. ا.؛ رفیع، م.؛ حدائق، ا. (۱۳۸۶). آینده پژوهی از نگاه اسلام، پیش نیاز مدیریت جهادی. مقاله ارائه شده در همایش فرهنگ و مدیریت جهاد. بازیابی شده از: WWW.mohandesifarhangi.com
۸. صدیقی، م. ج. (۱۳۸۳). آینده اندیشی و تجربه های جهانی: مجموعه مقالات و سخنرانی های نخستین کارگاه آینده اندیشی. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۹. ملکی فر، ع. و همکاران (۱۳۸۵). الفبای آینده پژوهی: علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات کرانه علم.
۱۰. کاظمی مقدم، ا. (۱۳۹۴) پارادایم شبکه ای، دیدمان مطلوب آینده پژوهی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مقاله ارائه شده به همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال و آینده. بازیابی شده از <http://rezvanelm.aqr.ir>
۱۱. خزایی، س. (۱۳۹۰). آینده پژوهی، مفاهیم و ضرورت ها. برگرفته از سایت <http://www.ayandehpajoohi.com>
۱۲. مطهری، ع. (۱۳۵۷). انسان در قرآن. قم: صدرا.